

به کجا چنین شتابان؟؟

یادداشت مدیر مسئول

- چگونگی رابطه انسان با خودش
 - چگونگی رابطه انسان با جامعه بشری و تاریخ
 - چگونگی رابطه انسان با طبیعت
- اهداف تعلیم و تربیت در پی تعریف نحوه ارتباط این سه محور با مبدا آفرینش مشخص می‌شود. دکتر غلامحسین شکوهی معتقد است، «تعلیم و تربیت باید بر معرفت و ایمان به خدای یکتا، اعتقاد به اسلام و حسن قبول نسبت به قرآن مبتنی باشد و به عمل بر اساس همان علم و ایمان نیز بیانجامد.» هم او معتقد است که رابطه انسان با خودش باید به نتایج عملی منجر شود، که از زمره آن‌ها است:
- بهداشت تن و روان
 - تقویت فکر و قدرت بیان
 - پرورش قدرت مقاومت در سختی‌ها و تقویت روحیه صبر و شکیبایی
 - تقویت روحیه نظم، دقت و وقت‌شناسی
 - تربیت و تقویت روح دانشجویی، حقیقت دوستی و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، ادبی، هنری و...
 - تلاش و مجاهدت برای رشد فضائل و مکارم اخلاقی
 - پرورش روحیه سپاسگذاری و شکر نعمت‌های الهی از طریق بهره‌برداری صحیح از امکانات مادی و معنوی
- در چگونگی ارتباط با جامعه، تعلیم و تربیت باید بر شناخت ارزش‌های زندگی گروهی مبتنی باشد. انسان باید به این اعتقاد برسد که هرچند پیوستن به جوامع ضرورتاً برای فرد محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند، ولی در مجموع متضمن فوائد و مزایایی به مراتب ارزنده‌تر است. تحقق جنبه‌های متعالی وجود انسان تا حد زیادی منوط به تعامل، تعاون، تبادل تجارب و تعاطی افکار با دیگران است. در برقراری ارتباط معقول با طبیعت، تعلیم و تربیت باید بر شناخت عالم طبیعت، کشف و درک قوانین حاکم بر آن و ایمان به هدفداری جهان مبتنی باشد، و آدمی را به اقتضای این علم و ایمان در سعی مستمر و عمل صالح و بهره‌گیری فعال و متعادل و مشروع از منابع و مواهب و زیبایی‌های طبیعت و اقدام به حفظ و حراست آن تشویق و ترغیب و مساعدت کند.
- دکتر کاترین لوئیس پژوهشگر آمریکایی است که سال‌هایی از عمرش را برای شناخت آموزش و پرورش ژاپن صرف کرده است. او در کتاب **آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها** که به بررسی و تحلیل آموزش در مراکز ابتدایی و پیش دبستانی ژاپن پرداخته، می‌گوید: «مادران ژاپنی نسبت به هم‌تایان آمریکایی خود، وقت کمتری را صرف آموزش فرزندان خود می‌کنند.» او بر این باور است، «برای پرورش کامل بُعد عقلانی و اجتماعی بچه‌ها، مدارس باید به صورت جوامعی در آیند که در آن‌جا همه بچه‌ها احساس وجود کنند و بدانند که ارزش دارند.» مدرسه به‌عنوان جامعه‌ای برای کودکان، آرمان اندیشه آموزشی ژاپنی‌ها است. در این جامعه به نظریه‌های آموزشی و تربیتی زیر توجه دارند:
- به حداقل رساندن رقابت در بین بچه‌ها و کمک به آن‌ها برای بسط این احساس که «ما همگی عضو یک جامعه هستیم».
 - درگیر کردن همه بچه‌ها در کسب مهارت‌های تحصیلی و نیز اداره مدرسه.
 - اصرار بر نظمی که بر اثر آن مهربان بودن و نیز عضوی مسئول از جامعه مدرسه شدن، پی‌گیری شود؛ تا آن‌جا که برای تحقق آن نیازی به پاداش و تنبیه نباشد.
 - طراحی دروسی که با استفاده از آن، حس تعلق، درک یکدیگر، و فراگیری‌های کلاسی به‌طور همزمان رشد بیابد.
- در مطالبی که پیش‌تر گذشت، اولی دیدگاه صاحب‌نظر و کارشناسی است که مطالعات وسیع بین‌المللی دارد و از زاویه دینی و ملی نیز پردازش کرده و نظریه‌اش منتج از فرهنگ ایرانی - اسلامی است. و دیگری متعلق به کارشناسی است که یافته‌های نظری تعلیم و تربیت را از غرب آموخته که با تجربه‌های آموزش و پرورش شرقی (ژاپنی) در آمیخته که به تجزیه و تحلیل و ثبت تجربه نشست است. در هر دو دیدگاه، آشکارا بر اجتماعی شدن، تشکیل گروه‌های کاری، فعالیت در گروه و تشکیل جامعه مدرسه تاکید شده است و به حداقل رساندن رقابت بین دانش‌آموزان مورد توجه جدی قرار می‌گیرد.
- دکتر لوئیس که تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان‌های ژاپن گذرانده است، در زمان دانش‌آموزی برای مشاهداتش با سوال بزرگی مواجه می‌شود، «به‌راستی چرا هم‌کلاسی‌های ژاپنی من، به جای آن که کفش‌های اسکیت و زانو بندها را از چنگ هم برپایند و مال خود کنند، هجوم می‌آورند تا آن‌ها را به یکدیگر بدهند؟ چرا حتی هنگامی که معلم در کلاس حضور نداشت، بحث‌های علمی درباره درس‌هایشان را ادامه می‌دادند؟»
- چراایی رسیدن آموزش و پرورش ژاپن به این دستاوردها، مطالعات وسیعی را به خود اختصاص داده که می‌تواند مورد استفاده فراوان متولیان تعلیم و تربیت قرار گیرد، ولی مهم این است که در ژاپن، این نتایج در نظام تعلیم و تربیت حاصل شده و به ثمر نشست است. در همین نشریه پیش‌رو با چند تن از دانش‌آموزان این مجتمع، گفتگو شده است. ضمن توصیه به مطالعه دقیق آن، بعضی از نکاتی که در گفتگو بیان کرده‌اند، یادآوری می‌شود: مقایسه گفته‌های فرزندانمان با مباحث نظری و یافته‌های تجربی که پیش از این اشاره رفت، قابل تأمل است.
- هرچند روابط و نیازهای اجتماعی ما اهمیت زیادی دارد، ولی به نظر من رشد علمی برای پدر و مادرها مهم‌تر است، و چون یکی از اهداف مدرسه جلب رضایت والدین است، این بُعد در مدرسه‌ها پررنگ‌تر دیده می‌شود، در صورتی که درس زندگی از هر چیزی مهم‌تر است!
 - اصلاً سطح سواد باید به اندازه‌ای باشد که اگر فرزند شما در آینده سوالی پرسید، بتوانید جوابش را بدهید و در کل نظر و حرفی برای گفتن داشته باشید. اما اگر درس زندگی بلد نباشید، چطور می‌توانید در آینده زندگی کنید!